



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
پنجشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۲ - ۲۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۶
سال بیست‌وششم - شماره ۷۱۳۳ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۵۰۰۰ تومان

سر مقاله
غلامرضا صادقیان | سردبیر

هستهای ما را تا کجای می برد؟!

بحث این نوشته یک استدلال علمی درباره توانایی هستهای ایران است. واضح است که ضرورت این بحث بی‌اعتنا به فضای سنتگین «مسئله بازدارندگی» در یک‌سال اخیر که در چند ماه گذشته تشدید شده‌است، نیست. واضح دیگر آن است که کسانی امثال نگارنده در جایگاه یک روزنامه‌نگار از جزئیات برنامه و توان هستهای ایران به‌ویژه بخش‌های خاص آن بی‌اطلاع هستیم و فقط می‌توانیم تحلیل سیاسی و این‌بار علمی کنیم.

ما از منظر علمی عقلاً (و شرعاً- اما بحث من شرعی نیست) اجازه نداریم که راه پژوهش را بر خود مسدود کنیم. همچنانکه تک‌ریم به هم در علم و هم در فن هسته‌ای تلاش می‌کنیم خود را به مرزهای علم و فناوری در جهان نزدیک سازیم. تا اینجای کار بر همگان آشکار و زیر نظر آژانس و نظارت و قضاوت مخاطبان خاص و عام است. پرش مهم این است که وقتی ما اعلام می‌کنیم دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، آیا می‌توانیم راه رسیدن علمی به سلاح هسته‌ای را نیز بر خود مسدود کنیم؟! پاسخ من آن است که از منظر علم چنین چیزی ممکن نیست. اصولاً ماهیت علم این نیست که بتوان بر پژوهندگان علم، بخشی از راه بی‌انتهای آن را بست. همچنانکه بیشتر کشورهای دنیا تولیدمثل انسان در آزمایشگاه را مشابه آنچه در تولیدمثل حیوانات شبیه‌سازی شده انجام می‌شود، غیر اخلاقی و ممنوع اعلام کرده‌اند اما در برخی نقاط دنیا در حفا این پروژه‌ها و مشابه آن را پیش می‌برند. دلیل ناممکن بودن حرمت علمی، فقط «سوسه» دانشمندان یا بی‌اخلاقی آنان نیست. «دانستن یا ندانستن» است که مرزها را از بین می‌برد تا دانستن بر ندانستن غلبه کند. این امکان علمی به‌ویژه وقتی دانستن و دانش به مسئله قدرت و ثروت پیوند بخورد، غیر قابل کنترل تر می‌شود. تأکید می‌کنم که این بحث فارغ از مکان و زمان و دایره یک حکومت است. بحث ماهیت علم است که توقف‌پذیر نیست، به‌ویژه در جایی که تلاشی خارج از محدوده علم برای متوقف کردن آن در یک نقطه صورت بگیرد. با این توصیف اگر این مقدمه را بپذیریم، آنگاه پژوهش علمی بدون نمونه آزمایشگاهی ممکن نیست. نمی‌توان یک پروژه علمی را بدون نمونه آزمایشگاهی آن تمام‌شده تلقی کرد و هیچ پروژه علمی نمی‌تواند در هیچ زمانی حتی در آینده دور امکان‌دهنده به انتهای فرآیند خود رسیده‌است.

در همین ستون سال پیش نوشتیم که آنچه ما درباره حرمت به کارگیری سلاح هسته‌ای می‌گوییم مغفلت و مجزای از تسلط بر دانش ساخت سلاح هسته‌ای و رسیدن به نقطه «ساخت سلاح به محض اراده» است. این مطلب یک مفهوم سیاسی و مرتبط از پهر منشی از قدرت بازدارندگی منطقه بدون داشتن «سلاح آماده» و فقط با نشان دادن «امکان ساخت سلاح به محض اراده» است. اما بحث امروز یک بحث علمی است بدون آنکه بدانیم در عمل چه چیزی یا چیزهایی در شرف وقوع است یا امکان وقوع دارد.

معتمد پروپاگاندای سیاسی آمریکا و غرب درباره توان هستهای ایران با شعار «همی گذاریم ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند» باید در سه بخش یا سه وجه تحلیل شود. اول آنکه آمریکا با این شعار برای بخشی از مخاحلات خود در منطقه غرب آسیا بهانه جور می‌کند. هر چند بهانه‌های فراوان دارد و ابراز می‌کند، اما این یکی هم نمی‌گذرد و آن را شیک‌تر می‌بینند دوم اینکه آمریکا و غرب در واکنش به اعلام مکرر مقاصات ایران درباره حرمت استفاده از سلاح هسته‌ای، به خودشان نگاه می‌کنند و این سخن ایران را حمل بر فریب سیاسی می‌کنند و خلاف عقل معاش اندیش نیوی خود می‌بینند. ممکن است عقلائی ایران شناس و شیعه‌شناسی به آنها بگویند که این یک فریب نیست و نابور همواره در تردید هستند. اما وجه سوم، همین وجه علمی‌بودن قضیه است. غرب شاید با وجود دیگر مسئله کنار باید اما نمی‌تواند باور کند که ایران در کار غنی‌سازی باشد اما یک شاخه از این علم را به دست خود ببرد و کنار بیندازد! با این توصیف شاید بتوان بخشی از تلاش ناموفق غرب برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای ایران را با همین فرض سنجید. و این در دسر بزرگی برای غرب و آمریکا ایجاد خواهد کرد، زیرا مسئله هسته‌ای ایران را تا بده همچون یک راز و معما برای آنان حفظ می‌کند. ایرانی که سلاح هسته‌ای ندارد ولی «می‌تواند» داشته باشد و این توانستن هم «در لحظه» است و هم «در ابعاد گسترده» همچون یک کار پژوهشی بزرگ که ابعاد گسترده و نمونه‌های آزمایشگاهی فراوان خود را دارد. حاصل چنین چیزی در زمانه‌ای که ما به‌سسر می‌بریم، «بازدارندگی» است و برای آینده نیز ثمرات خود را دارد که بدون دسترسی به علوم آینده، پیش‌بینی و قضاوت درباره آن انسان نیست اما محصول فوری و بی‌واسطه «بازدارندگی» به ما کمک می‌کند تا پروژه‌های آینده علمی خود را در همین موضع یا قوت به پیش بیاوریم.

اخطار بزرگ به صهیون

فرماندهان نظامی و مسئولان دولتی اخطار دادند اگر صهیونیست‌ها حماقت کنند و واکنشی به حمله موشکی ایران داشته باشند پاسخ ایران ویران‌کننده خواهد بود

دهها گشته و زخمی صهیونیست‌ها در کمین زمینی حزب‌الله

رهبر معظم انقلاب ریشه‌های مشکلات منطقه غرب آسیا را تبیین کردند

امریکا شورش را کم کند تا جنگ تمام شود



صفحات ۶۲ و ۱۵ | Khamenei.ir

یادداشت بین‌الملل

علی قنادی | دبیر گروه بین‌الملل

تغییر دکترین اتمی برای مقابله با نظم «ابرویرانگر» اسرائیلی

اسرائیلی‌ها عملیات ترور سیدحسن نصرالله، دبیر کل شهید حزب‌الله لبنان را «عملیات نظم نوین» نام گذاشتند. نظم نوینی که اسرائیل درباره آن صحبت می‌کند، به معنای کاربرد قدرت ویرانگری آغشته به فناوری چونان یک نیروی خلاق برای اثرگذاری بر ذهن‌ها و روان‌ها است. هدف، فراتر از خرید صرف امنیت، اعمال یک هژمونی مبتنی بر فناوری نظامی «ابرویرانگر» در غرب آسیا است. تصاویر روزانه‌ای که از تنش اسرائیل از انفجارهای دهشتناک بمب‌ها و موشک‌هایش در غزه و لبنان تولید و به یمن شبکه‌های اجتماعی در تیراز و وسیع بخش می‌کند، تصویری نیش‌دار و دورنمایی موجز از همین نظم جدید، مبتنی بر این واقعیت است که در هر گونه ترور یا رویداد آینده، نه تنها هیچ کس و هیچ جایی امن نیست، هیچ چیزی هم دیگر امن نیست (انفجار پیجرها). دلیلی نداشت بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در سخنرانی سازمان ملل علاوه بر تهدید کردن ایران که «اگر ما را بزید ما شمارا می‌زیم، جایی در ایران نیست که دست بلند اسرائیل به آن نرسد»، بقیه دول غرب آسیا را هم به تهدیدش ضمیمه کند و بگوید «و این در مورد کل خاورمیانه صادق است.» این گشامی از تلاش اسرائیل برای پایه‌گذاری هژمونی نظامی مبتنی بر فناوری ابرویرانگر بر کل غرب آسیا است و ترور دبیر کل حزب‌الله را نیز، نقطه عطف کارگزارانی این نظم جدید می‌داند.

در تهران، استدلال‌ها کماکان حول این می‌چرخد که «سیدحسن رفت اما نصرالله می‌آید»، «حزب‌الله زنده است» و چیزهایی از این دست؛ در حالی که البته سازه‌های معنایی قدرت و تاب‌آوری نهادهای اجتماعی هستند. با این حال، واقعیت این است که ضعف و سستی بنیان‌های قدرت مادی نهادهای اجتماعی (دولت، گروه، جنبش یا هر چیز دیگر)، در خوشبینانه‌ترین حالت، آنها را دچار فرسایش کرده و قوت و تابندگی معنایی آنها را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

فراحل چیست؟ آیا ایران و محور مقاومت، به نظم جدیدی که تل آویو به یمن حفاظت و حمایت فعالانه واشینگتن در مسیر آن گام گذاشته، رضایت خواهند داد؟ در حالی که از صنعا تا تهران و از اینجا تا بغداد، دمشق، غزه و بیروت، پاسخ‌ها به این پرسش منفی است، راه‌حل‌ها از بی‌عملی و پذیرش وضع موجود تا اتخاذ دیپلماسی چندجانبه فعال یا اقدام جنگی با دامنه محدود یا فراگیر، تنوع دارد. به جز گزینه «بی‌عملی»، هر کدام از گزینه‌ها قادرند تا حدی شرایط را بهبود داده، بنیای بازدارندگی را احیا کنند، ولی طبیعتاً ظرفیت برخی کمتر و استعداد بعضی راه‌ها بیشتر و در عین حال برخطر تر است. تجربه یک‌سال بعد از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ نشان

می‌دهد دیپلماسی مبتنی بر فشار افکار عمومی جهان، نتوانسته ابرویرانگری اسرائیل را متوقف کند. گزیننه پاسخ محدود نظامی از نوعی که در عملیات وعده صادق ۲ انجام شد، هر چند مؤثر است ولی در شرایطی که رهبران دولت عبری، عزم خود را برای کاربرد فناوری نظامی ویرانگر برای برقراری نظم نوین جزم کرده‌اند، احتمالاً به بازدارندگی کافی نینجامیده و ممکن است به تصاعد دامنه کشمکش کشیده شود. در حالی که دیگران، ممکن است راه‌حل‌های خلاقانه دیگری هم برای مهار اوضاع تجویز کنند، یک راه‌حل فوری در دسترس، تغییر در دکترین هسته‌ای ایران است. در شرایطی که دکترین هسته‌ای ایران در طول پنج‌ه‌اندی سال گذشته (با احتساب دوره پهلوی) استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای بوده، امروز تهران ظرفیت، زمینه‌سندی و فرصت لازم را برای تحول بی‌درنگ در این برنامه خود دارد. کنت والترز، نظریه‌پرداز شهیر، چند دهه قبل بین «توانایی‌های بازدارنده از جنگ» و «توانایی‌ها برای جنگیدن» تمایز قائل شده و نیروی هسته‌ای را جزو توانایی‌های بازدارنده از جنگ خوانده بود و می‌گفت تاریخ بشر سلاحی سراغ ندارد که به اندازه تسلیحات هسته‌ای به صلح و ثبات کمک کرده باشد: «کسانی که عاشق صلح‌اند، باید دوست‌دار سلاح هسته‌ای باشند!» این استدلال والترز مبتنی بر این واقعیت بود که دهشت و وحشت ناشی از نابودی این تسلیحات نامتعارف، به قدری بزرگ و پرقت است که دولت‌ها هرگز به فکر کاربرد آنها نخواهند افتاد. اساساً تسلیحات هسته‌ای جامعه‌پذیری بی‌سابقه‌ای در تاریخ بشر و مالکیت، لفاظی و کاربرد، بر مالکان خودشان (دولت‌ها) تحمیل می‌کنند که آنها محکوم به تبعیت از این جامعه‌پذیری هستند. قریب به ۸۰ سال بعد از ابداع اولین سلاح هسته‌ای در پروژه معروف منهن، فقط و تنها یک دولت، آن‌هم صرفاً یک مرتبه از تسلیحات هسته‌ای استفاده کرده‌است. امریکایی‌ها تنها به این دلیل، دو مپ اتم بر سر مردم ناکازاکی و هیروشیما فرارانداختند که فقط زاین سلاح اتمی نداشت، بلکه در دنیایی می‌زیستند که هیچ دولت دیگری غیر از خودشان، مسلح به این سلاح‌های ویرانگر نبود.

در دنیایی که آن را زیست می‌کنیم، در شرایط جنگی برمخاطره (تهدید وجودی)، تنها چیزی که ۹ دولت مسلح به سلاح اتمی و اسرائیل اتمی را مجاب می‌کند از سلاح هسته‌ای استفاده نکنند، اطلاع از این واقعیت است که دولت‌های هم‌اورد آنها نیز مالک سلاح هسته‌ای هستند. چرا روس‌ها این قدر از سلاح هسته‌ای دم می‌زنند، زیرا اوکراین بعد از فروپاشی شوروی، غرق در انگارهای لیبرالی، خود را خلع سلاح هسته‌ای کرد.

سناریویی را تصور کنید که وقایع آغاز شده از ترور دبیر کل حزب‌الله لبنان تا عملیات وعده صادق ۲ گسترش یافته، به تصاعدی بزرگ و بزرگ‌تر کشیده شده، پینگ‌پنگ کشمکش تا مرز تهدید امنیت وجودی اسرائیل پیش برود. آیا امکان صدور یک اولتیماتوم هسته‌ای آشکار یا مخفی از طرف اسرائیل منتفی است؟

بقیه در صفحه ۱۵



تیره‌ساری امحبوبه قربانی | خبرنگار گروه سبک زندگی صفحات ۸،۹ و ۱۰

احمد دبیری، رئیس انجمن رضا فدای وطن، دکترای تخصصی سالمندشناسی؛ رشاد فدا، دبیر انجمن علمی سالمندان ایران؛ نظام سلامت برای سالمندان تنهای فردا برنامه‌ریزی کند؛ بی‌توجهی می‌بینند

شکاف «روایت رسمی» در تل آویو واشینگتن از غافلگیری اول اکتبر ایران

نهادهای امنیتی اسرائیل هنوز برآورد رسمی از سورپرایز یکم اکتبر ایران ارائه نکرده‌اند ولی نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی ساعتی بعد از اتمام عملیات وعده صادق ۲ از این جامعه‌پذیری هستند. قریب به ۸۰ سال بعد از ابداع اولین سلاح هسته‌ای در پروژه معروف منهن، فقط و تنها یک دولت، آن‌هم صرفاً یک مرتبه از تسلیحات هسته‌ای استفاده کرده‌است: «سه پایگاه‌ها تزریم، تو اتمیم، تل‌نوف به علاوه مقر موساد در محله گلیلوت در تل آویو.» سسی‌ان گفته تعداد زیادی موشک به پایگاه تو اتمیم و پایگاه تل نوف اصابت کرده‌است.

بقیه در صفحه ۱۵

رسانه مقاومت بزک ۶۰۰ میلیارد دلاری رژیم صهیونیستی را بر باد داد

مصطفی شاه‌کرمی | خبرنگار گروه فرهنگی

ناصر ابوشریف نماینده جنبش جهاد اسلامی در ایران در نشست بین‌المللی «روایت طوفان؛ رسانه، نسل‌کشی غزه و بیداری جهانی»: دشمن از هر دروغی استفاده کرد تا رژیم صهیونیستی را در منطقه تثبیت کند. این روند ادامه دارد. آنها اصلاً شرم نمی‌کنند. به‌رغم این که تصاویر وجود دارد آنها دروغ می‌گویند. گوبلز می‌گفت آن قدر دروغ را بزرگ بگو تا باور کنند.

تدارک اجماع علیه صهیونیست‌ها در قطر

در سفر رئیس‌جمهور به دوحه ۶ تفاهم‌نامه امضا شد

به موازات اقدام تنبیهی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی علیه اقدامات جنتیکارانه رژیم صهیونیستی که با همراهی و همکاری مثال زنی همه دستگاه‌ها و از کان حاکمیت، مدیریت و راهبری شد و نمونه و مصداق روشنی از هماهنگی و همراهی میدان و دیپلماسی دیپلماسی برای توقف صهیونیست‌ها غافل نیست. چنانکه رئیس‌جمهور گفت در سفر به قطر برای ایجاد اجماع منطقه‌ای علیه این رژیم اقدام خواهد کرد.

دکتر مسعود پزشکیان بعد از ظهر دیزوز چهارشنبه پیش از عزیمت به دوحه به منظور دیدار رسمی از این کشور و نیز شرکت در اجلاس مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا، درباره اهداف و اهمیت این سفر گفت: این سفر به دعوت رسمی امیر محترم قطر برای دیداری دو جانبه و نیز شرکت در مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا برگزار می‌شود. رئیس‌جمهور با بیان اینکه مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا، بستری برای گفت‌وگو میان کشورهای آسیایی است و در جریان این سفر دوحه هدف را پیگیری می‌کنیم، افزود: هدف این است که با دولت قطر سرمایه‌گذاری و اجتماعی داشته باشیم و اسناد همکاری نیز انجام خواهند شد.

پزشکیان ادامه داد: در جریان این سفر همچنین در خصوص وضعیت منطقه و اینکه کشورهای اسلامی به چه شکلی با هم همکاری کنند، گفت‌وگو خواهیم کرد. طبیعتاً در مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا که متشکل از کشورهای آسیایی است نیز درباره وضعیت بحرانی منطقه، جنایت‌هایی که رژیم صهیونیستی در منطقه انجام می‌دهد، عدم پایبندی این رژیم به قوانین بین‌المللی و هدف قرار دادن انسان‌های بی‌گناه، زنان، بچه‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس گفت‌وگو خواهیم کرد. گفت: در دیدارها و گفت‌وگو‌هایی که در قطر خواهیم داشت، به دنبال ایجاد یک زبان و نگاه مشترک در بین همه کشورها هستیم تا بتوانیم با اقدام مشترک صهیونیست‌ها را وادار کنیم دست از جنایت‌هایشان بردارند و اگر غیر از این خواهند کاری کنند، طبیعتاً عکس‌العمل‌های سختی خواهند دید.

امضای ۶ سند همکاری بین ایران و قطر

«شیخ تمیم بن حمد آل ثانی» امیر قطر عصر دیروز در محل دیوان امیری این کشور به صورت رسمی از دکتر مسعود پزشکیان که در صدر هیئت عالی‌رتبه اقتصادی و سیاسی به دوحه سفر کرده‌است، استقبال کرد. اسامی ایران و قطر شش سند و یادداشت تفاهم همکاری در بخش‌های مختلف اقتصادی و تجاری، فرهنگی، آموزشی و ورزشی به امضا رساندند. همکاری در طرح توسعه بندر دیر، بهداشت، رفاه و تجارت زنده، برنامه اجرایی همکاری‌های فرهنگی تا پایان سال ۱۴۰۵ و برنامه اجرایی همکاری‌های ورزشی تا سال ۲۰۲۶ از جمله مهم‌ترین اسناد همکاری می‌ان کشور بود که از سوی وزرای نیرو، امور خارجه و ورزش و جوانان جمهوری اسلامی ایران با هماهنگی قطری به امضا رسید.